



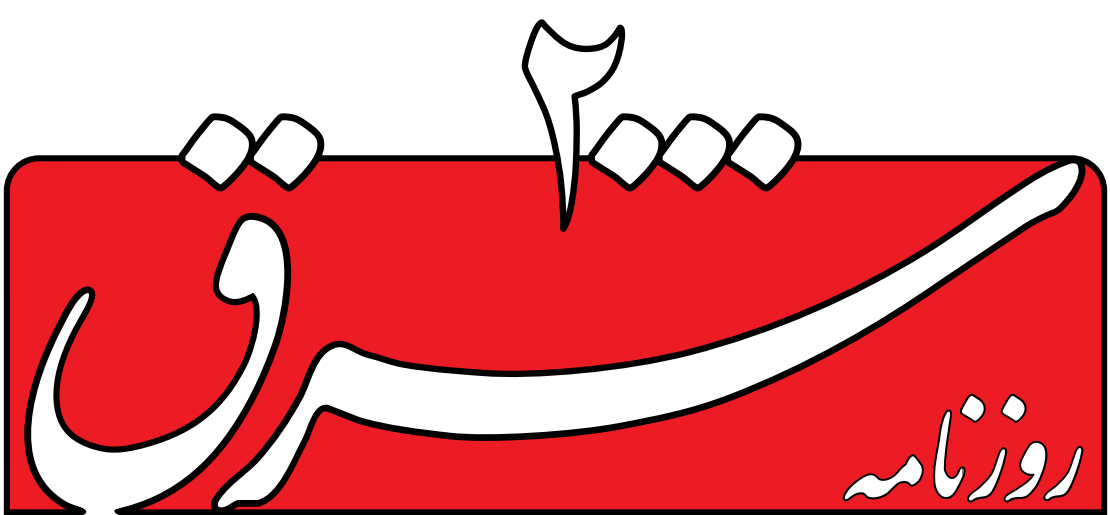
سیدمر تفضی مبلغ در گفت‌وگو با «شرق»:

سفر به استان‌ها هدفمند شود

گروه سیاسی: شیوه سفر رییس دولت‌های نهم و دهم به استان‌های مختلف کشور و «دوره» کردن آنها، از همان روزهای نخست منتقدان جدی داشت. هرچند تا پیش از جدی‌شدن اختلافات میان اصولگرایان در سال‌های ۹۰ تا ۹۲، نمایندگان حوزه‌های انتخابیه مختلف با وجود...

صفحه ۸

سال یازدهم - شماره ۲۰۰۰ - ۱۶ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



لاریجانی خطاب به غرب:

صادق باشید؛ ۲، ۳ ماهه می‌توانید با ایران توافق کنید

گروه سیاسی: گویا توافق جامع هسته‌ای که می‌توان آن را «روز موعود هسته‌ای» نامید، نزدیک است اما به‌شرط «صداقت». روز گذشته علی لاریجانی، رییس مجلس اعلام کرد که غربی‌ها به‌شرط «صادق‌بودن» می‌توانند در «دو یا سه‌ماه» با ایران بر سر مساله هسته‌ای به توافق برسند...

صفحه ۳



شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ - ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۳۵ - ۲۶ آوریل ۲۰۱۴

سرمقاله

اندر حکایت «افتادن دوهزاری» روزنامه «شرق»!

احمدپور نجابتی

رییس کمیسیون فرهنگی مجلس ششم



«شرق» وژه‌ای است که نمی‌دانم چرا، اما همین جوری به چشم آدم برق می‌اندازد و به دل، فز می‌دهد به قول پسرما رمانتیک نمی‌نویسم اما لحظه‌ای

روی «شرق» درنگ کنید: احساس درخشش و گرما و آغاز و آفتاب نمی‌کنید؟ ۱۱ سال انگاری همین دیروز بود. «شرق» روی دک‌ها. بی‌گرافه می‌گویم که «شرق» همچون برادر بزرگش «همشهری» آغاز برهه تازه و متفاوتی در عرصه روزنامه‌نگاری ایران بود. اگر می‌توانیم تحول روزنامه‌نگاری پس از انقلاب را به دو دوره «پیش و پس» از انتشار «همشهری» تقسیم کنیم، به همان مقیاس می‌توان انتشار «شرق» را آغاز برهه‌ای تازه و متفاوت در طعم و تنوع و شکل و شمایل و بست‌بندی روزنامه ایرانی به‌شمار آورد. روزگاری «محمد قوچانی» نخستین سردبیر و به واقع مولف «شرق»، به‌درستی از «تئوری بقا» گفته بود و لابد مقصودش این بود که: تا می‌شود نباید به جوانمرگی روزنامه مجال داد.

ادامه در صفحه ۶

خود انتقادی، شرط پیشرفت

ناصر فکوهی - استاد دانشگاه



تامل و اندیشه بر خود و بر دیگری، بر چرایی و چگونگی و آمدن و رفتن ما در این جهان و معنایی که می‌خواهیم به زندگی‌مان بدهیم، مهم‌ترین فرآیندی است که به باور

صفحه ۲



صفحه ۱۱

از راست: نصف دریاپندری، علی دهشایی و فخرالدین فخرالدینی. عکس: مجتبی سناک

یادداشت

در جشن ۵۰ سالگی «شرق»

جواد مجابی نویسنده

بیباید فرض کنیم که «شرق» حالا نه صدساله، دست کم ۵۰ساله بود- مثل «لوموند» یا «گاردین»- رسانه‌ای واقعا مستقل و منتقد اوضاع، ناوابسته به دولت‌ها، با تعهد حرفه‌ای -به گسترش اخبار، اطلاعات و آگاهی‌های درست از وضعیت موجود کشور و دنیا- بدون تعطیل یا توقیف، با بهره‌جستن از شایسته‌ترین نویسندگان که طس پنج‌هه می‌توانستند آزانانه و آگاهانه در راه مصالح ملی و منافع مردم و توسعه هماهنگ کشور قلم بزنند. این‌طوری یک روزنامه خاستگاه پرورش نودهنی و آزاداندیشی و عدالت‌جویی می‌شد که تلاش ذهنی چندین نسل روزنامه‌نگار آزاداندیش مستقل مردم‌گرا، آن را تبدیل به سرمایه‌ای ملی می‌کرد. فرض کنیم که در این ۵۰ساله، روزنامه «شرق» با بهره‌گیری هوشمندانه از فضای فعال فرهنگی و محیط سالم رسانه‌ای می‌توانست علاوه‌بر اینکه صدای مردم و خواست‌های رویه‌رشد آنان را بازتاب دهد، با تکیه بر مطالبات انسانی و حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی، چشم‌اندازهای جدیدی از جامعه آینده را ترسیم کند که روشنفکران عرصه عمومی بتوانند به نقد خردورانه و دایمی وضعیت موجود برای رسیدن به گستره صلح‌اندیشی و رونق محیط‌زیست و زدودن زنگار خشونت و جهل از چهره جوامع بشری بکوشند و این را وظیفه‌ای مبرم بشناسند. فرض محال نیست که مصالح کشور و منافع مردم، فراتر از دست‌بندی‌های سیاست‌بازانه شمرده شود.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

همسفر باغ اسپر و اتوار

فریدون عموزاده خلیلی روزنامه‌نگار

حس می‌کنم... بو کن!
- یو؟ عجبا!
و باز دوسیدی و رفتی، و من حتی فرصت نکردم چشم‌های گرد شدام را به تو بدوزم...
نیم‌هساعت، سریع، شاید هم بیشتر توی باغ گشتیم دنبال آن گوشه دنج که تو خیال می‌کردی بویش را شنیده‌ای؛ یعنی تو می‌گشتی و من بی‌اراده، بی‌خبر و بفهمی، نفهمی عصبی دنبالت می‌آمدم، نمی‌آمدم، پاهایم کشیده می‌شدند روی زمین.
- شاید آن گوشه باشه، پشت آن ردیف درخت‌های قدیمی- بریم ببینیم یک نیمکت سبزم داره پشت اون درختا؟
- دکتر جان، این نیمکت‌ها که همشون سبزه.
نه اون یه نیمکت سبز خاصه، یه نیمکت سبز تو یه گوشه دنج که سون‌یغ سال پیش دکتر روش می‌نشسته.
- دکتر؟
تند بر گشتی طرف من، من جا خوردم از تند برگشتنت. آرام سر تکان دادی:
- دکتر شریعتی...
و من تازه دوهزارام افتاد و یکباره نفس توی سینهام حبس شد.
«راست می‌گین این باغ اسپر و اتواره... چقدر خنگم من...» گفتیم
نمی‌توانستیم بگویم، یک‌دفعه یک بختک شیرین گریه‌آور افتاد روی سینهام. دیگر نمی‌شد مثل یک تندیس بلاهت، آنجا وسط راه میان باغ بایستم، خودم را کشاندم روی نزدیک‌ترین نیمکتی که کمی آنطرف‌تر بود. تو هم حالا نشسته بودی روی یک نیمکت سبز دیگر، روی یک نیمکت سبز معمولی که اینجا وسط راه‌روی پرفروش‌آمد باغ بود، نه یک گوشه دنج.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

دیرپایی و استقلال

بهروز گرانپایه روزنامه‌نگار

ما جنون کاران ز طاق یک قلم بیگانه‌ایم! سخت جانی با دل صبر آزما یان آشناست! لیدل این محفل نهان در گریه شمع است و پس اداع آن زخمم که با لبهای خندان آشناست
انتشار دوهزارمین شماره روزنامه «شرق» در باره زمانی سال ۸۲ تاکنون، بیش از آنکه نشانه مدارای رسانه‌ای دولت باشد، ناشی از رفتار حرفه‌ای مدیریت روزنامه است. «شرق» باوجود چهار بار توقیف در طول دوره انتشار، در حال حاضر حرفه‌ای‌ترین روزنامه موجود ایران است و روزنامه‌ای مهم و اثرگذار محسوب می‌شود. روزنامه‌نگاری در ایران، خواسته و ناخواسته هم آلوده و هم آمیخته به سیاست است. به همین دلیل دشواری حرفه را در این سرزمین افزون می‌سازد؛ خاصه آنکه به مراکز قدرت هم وابسته نباشی، و خواسته باشی که به تربیون حزب و جریان سیاسی هم بدل نشوی و این دیرپایی و استقلال- هرچند نسبی- اما ساده و ارزان به دست نمی‌آید. بنابراین، سخت جانی و بقای «شرق» به‌منابه روزنامه‌ای مستقل، در این شرایط حاصل درایت و هوشمندی و سیاستمداری مدیریت روزنامه و نیز هوشیاری و حرفه‌ای‌گری تیم سردبیری است. سردبیری «شرق» در آغاز با تیم جوان و نوگرای محمد قوچانی شروع شد و البته فضل دوره تلمیس و تثبیت و مرحله هویت‌یابی «شرق» متعلق به آنهاست. اما استمرار و حفظ اعتبار روزنامه نیز کار آسانی نبود و این هنر موهن تجربه، شناخت و نازک‌اندیشی تیم کنونی است. اما چرا «شرق» را حرفه‌ای‌ترین روزنامه موجود می‌دانم؟

ادامه در صفحه ۶

تیترا

روند «گذشت» ادامه دارد

۲ بخشش قصاص در آمل و مشهد

صفحه ۱۲

شرکت مخابرات:

اینترنت پرسرعت امسال به همه خانه‌ها می‌رود

صفحه ۱۴

پیام هاشمی و خاتمی به کنگره یک حزب

صفحه ۲

گزارش میدانی «شرق»

بنزین گران شد جایگاه‌ها خلوت

صفحه ۴

در صفحات

«شرق» ۲۰۰۰

با آقا و گفتاری از: کریم ارغنده‌پور
عزت‌الله انتظامی، سیمین بهمهانی، فرهاد توحیدی هادی خانبکی، صادق زیباکلام، فریدون صدیقی ناصر کریمی، الهه کولایی، رضا کبانیان
بهروز گرانپایه، اکبر گلپایگانی، جواد مجابی سهیل محمودی، بدرالسادات مفیدی، ضیاء موح و حافظ موسوی / صفحه‌های ۱، ۱۴ و ۱۶

حرف اول، ورزش

آزادکاران ایران؛ فراتر از آسیا

منصور برزگر - کارشناس کشتی



همان‌طور که همه مردم دیدند تیم‌های کشتی آزاد ایران منهای دو وزن با ترکیبی از نفرت دوم و سوم خود در مسابقات قهرمانی آسیایی قزاقستان شرکت کرد و با اقتدار قهرمان شد.
درست است که با توجه به در پیش‌بودن بازی‌های آسیایی و مسابقات جهانی، مسابقات قزاقستان از سطح بالایی برخوردار نبود و همه با تیم‌های دوم و سوم خود به این رقابت‌ها آمده بودند اما من فکر هم نمی‌کردم که بتوانیم شش مدال طلا بگیریم. قزاق‌ها هر کاری می‌کنند تا مدال‌ها را از تیم‌ها بگیرند. این قهرمانی با این تیم نشان می‌دهد که کشتی آزاد ما رشد کرده و از آسیا فاصله زیادی گرفته و دوباره داعیه کسب عنوان قهرمانی در جهان را دارد. بدون شک پیشرفت‌های تیم‌های کشتی آزاد طی دوسال اخیر نتیجه حضور رسول خادم در راس تیم‌های ملی و مدیریتش در فدراسیون کشتی بوده است. امیدوارم این قهرمانی‌ها و مدال‌آوری‌ها همچنان تداوم داشته باشد به‌خصوص اینکه چندماه دیگر مسابقات قهرمانی جهان تاشکند و بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون کره‌جنوبی را پیش‌رو داریم و هر دو این مسابقات برای ما اهمیت بسزایی دارد به‌خصوص بازی‌های آسیایی، فاصله زمانی این دو رویداد، نزدیک به هم و چیزی حدود هفت، هشت روز است. کادر فنی باید درایت زیادی به خرج دهد و نگرانی را از انتخاب کند که ما سرلند از این دو میدان بزرگ بیاییم. چراکه در تاشکند کار سختی داریم و در اینچئون هم صددرصد باید قهرمان شویم. دلم می‌خواهد مسوولان کشوری وقت توجه خاص به ورزش داشته باشند و آنچه بودجه بیت‌المال است با عدالت در کل ورزش تقسیم کنند. به‌خصوص رشته‌هایی که در بازی‌های المپیک، جهانی و آسیایی مدال‌آور هستند. قهرمانی که با مدال از مسابقات بر می‌گردد نباید بیکار باشد و به فکر این باشد که خرج معیشتش را از کجا در بیاورد!

خبر آخر

معرفی برگزیدگان جایزه «گلشیری»

• شرق: بعدازظهر اولین آدینه دومین ماه بهار، به تاریخ پنجم اردیبهشت ۱۳۹۳ خورشیدی، با اندکی تأخیر برگزیدگان سیزدهمین دوره جایزه بنیاد گلشیری در خانه کاتب «خانه روشنان» واقع در شهرک اکباتان معرفی شدند. در این مراسم از «گلی ترقی» به پاس رهروماددن و جاجوش‌نکردن بر قلله‌های فتح‌شده‌اش، تجلیل شد در غیاب او، «مژده دقیقی» ویراستار قصه‌هایش، لوح و تندیس بنیاد را به خانه برد، تا «ترقی» هفته بعد که از پاریس به تهران رسید، جایزه‌اش را تحویل بگیرد.

ادامه در صفحه ۳

هاکوپیان

HACOUPIAN.NET

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE @ SHARGHDAILY.IR

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸ - ۸۸۱۹۳۹۷۹

شرق روزنامه

تحويل روزنامه درب منزل یا محل کار شما بدون هزینه ار سال

۳۲-۸۸۸۱۴۳۳۰